عقبگرد

اولاد آدم

ثبت‌نام کلاس پشت پرده شناسی

اولاد آدم اصولاً از پشت پرده و عکس‌های پشت پرده خوشش نمی‌آید اما وقتی می‌بیند مدیر سابق صنایع تکمیلی شرکت ملی پتروشیمی، پشت پرده‌های صنعت پتروشیمی ایران را برملا کرده شاخک‌هایش تیز می‌شود که ببیند اصلاً چه می‌شود که پشت پرده‌ای‌ها شکل می‌گیرند و از اینجور قضایا.

ایشان یک تعریفی ارائه داده است که می‌گوید پشت پرده نعمت‌زاده با پشت پرده چیت‌چیان و پشت پرده آدم‌های دیگر فرق دارد. اولاد آدم برای همین منظور با تأسی از گفته‌های مذکور، برای اولین بار در سازمان مردم‌نهاد ستون عقبگرد، کلاس‌های - پیش دولتی - پس‌پرده، پیش‌پرده، بی‌پرده و انواع و اقسام آن را برگزار می‌کند. اما برای بیان دلایل عملکرد خود و داشتن یک مانیفست اجرایی، مجبور است با ادای دین به نامبرده که چراغ پرده‌شناسی را در ذهن اولاد آدم روشن کرده، از بیانات وی بهره برده و به عنوان خط مشی خود، آن را خط خطی کند. خب بالاخره هر روایتی ارزش شنیدنش را دارد...

وزارتخانه‌های صنعتی و اقتصادی باید از سیاست و جریانات سیاسی دور نگه داشته شوند. چرا؟ چون کار اقتصادی و تخصصی در این وزارتخانه‌ها انجام می‌شود. مدیران وزارتخانه‌های سیاسی با تعویض دولت‌ها جایگزین می‌شوند اما در وزارتخانه‌های اقتصادی نباید این اتفاق لااقل به شدت وزارتخانه‌های سیاسی بیفتد. متأسفانه رفتار وزارت صنعت، معدن و تجارت در این حوزه دچار اشکال است و وقتی دولت‌ها عوض می‌شوند حجم انبوهی از افرادی که تخصصی ندارند و از تجارب و صلاحیت‌های مدیریتی به اندازه کافی بهره‌مند نیستند متولیان صنعت و تجارت کشور می‌شوند و این اتفاقات می‌افتد. چون همواره مدیران در حال آزمایش و خطا هستند. وزارت صنعت، معدن و تجارت از بدو تأسیس تا امروز در حال تجربه و خطا بوده است، هنوز به نقطه‌ای نرسیده است که تجارب غلط گذشته را تکرار نکند. این اتفاق باز هم خواهد افتاد. چون ساختار وزارتخانه تخصصی نیست. مدیران بخش عمده‌ای از بدنه با تغییر دولت‌ها در سطح گسترده‌ای تغییر می‌کنند. احزاب در زمان انتخابات به ستادهای انتخاباتی قول می‌دهند که آنها را به مسند مدیریتی می‌نشانند. وقتی می‌خواهند این مسندها را تقسیم کنند یکی از گوشه چشم‌های آنان به همین وزارت صنعت، معدن و تجارت است. در این ستادها مگر چند نفر لیسانس امور سیاسی وجود دارد؟ خیلی از اینها مدرک مهندسی دارند و طبعاً تلاش می‌شود آنها را در وزارت صنعت جا دهند.

وزارت صنعت مانند وزارت کشور پذیرای موج وسیعی از ورودی‌های جدید است که این آسیب زیادی به توسعه کشور می‌زند. اگر ما در کشور موفقیت‌هایی در حوزه نفت یا وزارت نیرو داشته‌ایم دلیل آن این بوده است که تأثیر مسائل سیاسی بر آنها کمتر اتفاق افتاده است. اما در وزارت صنعت این موارد در دولت‌های مختلف به شدت اتفاق افتاده است و باید روزی دولت فکری به حال این مسئله بکند. یعنی جوری برنامه‌ریزی کند که منابع انسانی توانمند که با تجربه و خطا و زدن زیان به کشور ناشی از تجربه توانمند شده‌اند از دست نرود و عده‌ای تجربه را از صفر شروع کنند.

خب، خط را گرفتید؟ در همین جا اولاد آدم از متقاضیان تدریس و تعلیم در کلاس پشت‌پرده‌شناسی می‌خواهد با پاسخ به گزینه‌های زیر و ارسال آن به ستون عقبگرد، بخت خود را در گرفتن گواهینامه پرده‌شناسی بیازمایند:

سؤال اول: کدامیک از وزارتخانه‌های زیر شبیه وزارت کشورند؟

الف) وزارت امور خارجه

ب) وزارت اقتصاد

ج) وزارت راه و شهرسازی

د) وزارت صنایع

سؤال دوم: کدامیک از پشت پرده‌های معروف را می‌پسندید؟

الف) پشت پرده کرسنت

ب) پشت پرده فلیپ موریس و سیگاری‌های ایران

ج) پشت پرده وکیل ۳۲ میلیاردی وزارت نیرو

د) بابک و همه پشت پرده‌های جدید

خبر

۳۸هزار نفر آماده استخدام باشند

پذیرفته شدگان در آزمون‌های استخدامی که بسیاری از آنها حدود چهار سالی است بلاتکلیف مانده‌اند اکنون می‌توانند خود را برای جذب در سازمان‌های مربوطه آماده کنند؛ چراکه بررسی‌های لازم در مورد ابعاد استخدامی آنها در حال اتمام، بودجه لازم برای جذبشان تصویب و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هم قول استخدام این افراد در سال آینده را داده است.

به گزارش ایسنا، پس از تصویب مصوبه اول بهمن ماه ۱۳۹۰ از سوی هیئت وزیران در دولت دهم و ابلاغ به دستگاه‌های اجرایی بخش عمده‌ای از نیروهای شرکتی تبدیل وضعیت شدند. اما در ادامه مورد ایراد هیئت تطبیق مقررات با قوانین مجلس قرار گرفت و به دلیل مغایرت‌های قانونی لغو شد و اکنون دیگر قابلیت اجرایی ندارد.

در مصوبه جنجال‌برانگیز دیگری تحت عنوان مهرآفرین که هیئت وزیران (دولت دهم) در ۲۹ آذر ماه ۱۳۹۱ به تصویب رساند به مسئولان اجرایی هر استان در مجموع مجوز و اختیار استخدام و تبدیل وضعیت بیش از ۵۰۰ هزار نیرو را تفویض کرد که طبق برآوردهای انجام شده این استخدام‌ها بار مالی حدود ۱۱ هزار میلیارد تومانی را برای دولت به همراه داشت.

در پی این مصوبات هزاران نفر از متقاضیان تحصیل کرده و جامانده از کار در آزمون‌های استخدامی برگزار شده از سوی دستگاه‌ها شرکت کردند و به انتظار اعلام نتایج و جذب نشستند. اگرچه مهرآفرین و برخی دیگر از مصوبات استخدامی، مورد انتقاد مجلس قرار گرفت و به دلیل ایرادات قانونی وارد بر آنها لغوشان ضروری به نظر می‌رسید، اما دولت قبل با بی‌توجهی به مسائل مطروحه آزمون برگزار و تعداد زیادی را امیدوار کرد.

با تغییر دولت، تمامی مصوبات مغایر قانون دولت گذشته که بار مالی قابل توجهی را برای دولت به همراه داشت لغو و در نهایت به بلاتکلیفی کسانی که در آزمون‌ها پذیرفته شده و حتی فرایند استخدامی آنها طی شده بود انجامید. اما سرانجام با پیگیری‌های مستمر وحتی تجمعات متعدد متقاضیان در مقابل مجلس و گاهاً سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و واکنش سایر نهادها بالاخره بعد از شرط و شروط تعیین شده از سوی دولت، رأی بر تعیین تکلیف این متقاضیان و فراهم آوردن شرایط لازم جهت استخدام آنها صادر شد. اگر چه پیش‌تر معاونان معاونت توسعه مدیریت و نیروی انسانس رئیس جمهور (قبل از ادغام با معاون برنامه‌ریزی و تشکیل سازمان مدیریت) عنوان کرده بودند که تعهدات استخدامی دولت به حدود ۲۰ هزار نفر می‌رسد و چندی پیش هم معاون نوسازی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اعلام کرد که مقدمات استخدام حدود ۱۵ هزار نفردر سال آینده ایجاد شده است؛ اما نوبخت- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی- آمار را تا بیش از دو برابر بیشتر اعلام کرد و بعد از تصویب لایحه بودجه سال آینده تأکید کرد که بیش از ۳۸ هزار نفر در سال بعد به استخدام دولت در خواهند آمد. ۳۸ هزار نفری که بارمالی نزدیک به ۵۷۵ میلیارد تومانی را برای دولت رقم زده و در بودجه سال ۱۳۹۴ تأمین شده است. آنطور که نوبخت گفته مسئولان مربوطه در استان‌ها می‌توانستند حتی از اسفند ماه سال جاری اقدامات اداری استخدامی را آغاز کنند تا در سال آینده روند به طور مطلوب‌تر و سریع‌تری پیش برود. به هر حال اگر بودجه یاری کرده و سازمان‌ها به وظایف خود در مورد استخدام‌هایی که بر عهده آنها گذاشته شده عمل کنند، مشمولان منتظر می‌توانند به استناد قولی که نوبخت به آنها داده آماده استخدام شوند و سال ۱۳۹۴ را پایان سردرگمی خود دانسته و برنامه زندگی‌شان را براساس آن طراحی کنند. مسئله‌ای که همواره نسبت به آن گله مند بوده و عنوان می‌کردند که نمی‌دانند با اوضاع فعلی تکلیف زندگی و آینده آنها چیست و چگونه خواهد شد.

حکایت تولیدکننده‌ای که تاکنون از ارز دولتی و تسهیلات بانکی استفاده نکرده است

قدرت مأمور خرید از رئیس سازمان بیشتر است

وام بانکی برای تولیدکننده ایرانی توجیه اقتصادی ندارد

گفت‌وگو

مهران ابراهیمیان

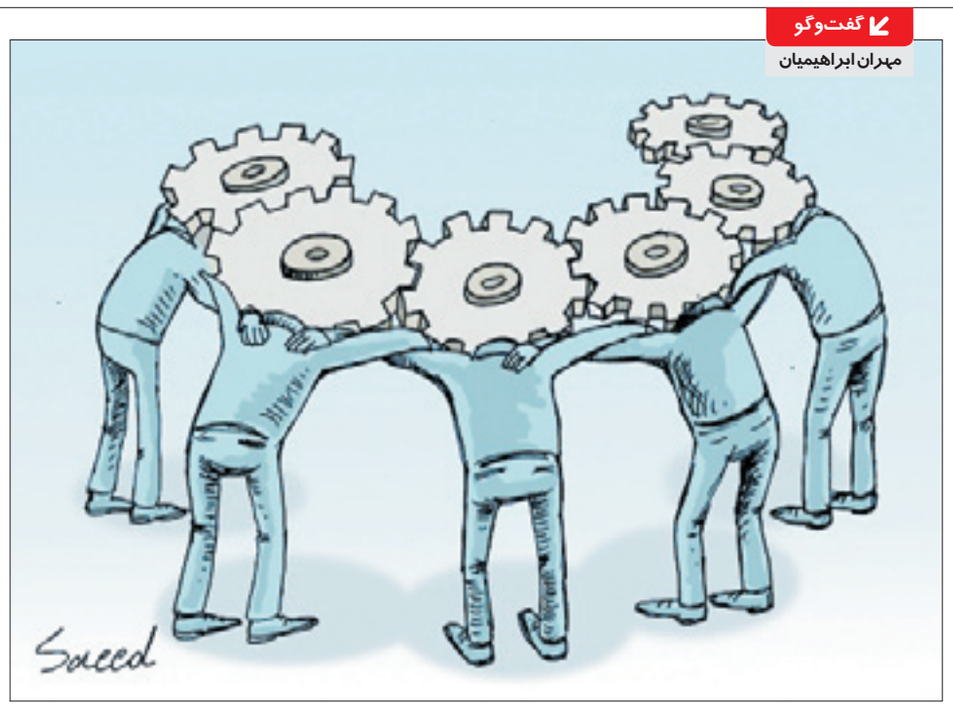

سعیدمنصور افشار رفیق و هم‌ولایتی شهید مهدی باکری است، تولیدکننده‌ای که تا به حال یک ریال وام از سیستم بانکی نگرفته، اما دل خونی از قاچاق کالاهای مشابه دارد. تخصص او سیستم‌های صوتی است اما وقتی به محل کارش می‌روی با ساختمانی مواجه می‌شوی که سر تا سر خلاقیت است، او با قرص‌های امپرازولش (نوعی قرص برای معده) لوستر درست کرده، با اشیای دور ریختنی وسایل تزئینی ساخته و از آن مهم‌تر برق مصرفی ساختمان را با انرژی خورشیدی تأمین کرده است. این صنعتگر امروز افتخارش این است که با ساختمان پاکش، سالانه مانع تولید ۴/۵ تن دی‌اکسیدکربن می‌شود. او از بروکراسی اداری و از مأمورهای خرید سیستم‌های دولتی می‌نالد و معتقد است کار کردن سالم در این اقتصاد خیلی سخت است و تنها انتظاری که از دولت‌ها دارد این است که دولت به بخش خصوصی کاری نداشته باشد. سرتاسر گفت‌وگو پر از خاطرات جالب است، پر از تجربه‌های سخت تولیدکنندگان که در زیر می‌خوانید.

رمز اینکه تا حالا وام نگرفته‌اید چیست، آیا سیستم بانکی مشکل دارد، از نرخ‌های تسهیلات می‌ترسید؟ یا شما بچه پولدار بودید؟

نرخ بالای تسهیلات شاید یکی از دلایل آن است. زیرا هم‌اکنون به شما در خوشبینانه‌ترین حالت تسهیلات ۱۸ درصد می‌دهند که با خرج‌های جانبی‌اش به حدود ۲۳ تا ۲۴ درصد می‌رسد. اما این تمام ماجرا نیست.

ببینید، تولید پول نمی‌خواهد. تولید مدیریت می‌خواهد، اصولاً کسانی که می‌خواهند تولید کنند و می‌گویند آقا منتظر وام بانکی هستیم، اینها اصلاً درک درستی از تولید در شرایط مختلف ندارند. تولید صرفاً یک پدیده است که باید در چارچوب استراتژی توسعه بازرگانی کلان یک کشور تعریف شود و تولیدکننده پروسه منطقی رشد را طی کند.

بیشتر توضیح می‌دهید؟

وام در ایران اصولاً هیچگونه توجیه اقتصادی برای تولیدکننده ندارد. هر کس بگوید من با ۲۰ درصد سود وام بانکی تولید می‌کنم، در دو مرحله اشتباه می‌کند، مرحله اول این است که حتماً در محاسبات آماری خود دستکاری می‌کند یا اشتباه دارد و دیگر اینکه حتماً اجحاف می‌کند، یعنی اگر کالایی که باید مثلاً ۷ هزار تومان به مصرف‌کننده بدهد چون از آن طرف سود بانکی قیمت تمام‌شده‌اش را بالا برده، قیمت خود را ضرب در سه می‌کند و می‌فروشد.

وقتی تولید با تسهیلات باشد باید به طور متوسط سودی بالای ۴۰ درصد داشته باشد چون حداقل ۲۵ درصد آن را باید به بانک بدهد. بنابراین من خودم هیچ موقع نتوانستم تولیدی با این شیوه داشته باشم. من حتی ارز دولتی هم نگرفتم، اما از یک واحد بسیار کوچک شروع کردم و به صورت نردبانی آمدم بالا و رسیدم به همان مرحله‌ای که هر چه دارد مال خودش است.

البته من کاری به وضعیت اقتصاد ندارم که برخی بنگاه‌ها ناگهان بزرگ به دنیا می‌آیند! اما کسی که می‌خواهد پرواز کند اول باید ایستادن بیاموزد، بعد راه رفتن، بعد دویدن، بعد جهیدن، بعد پرواز کردن. باید بزرگ شده این کار باشد، باید شاگردی کرده باشد.

تعریف شما از تولید چیست؟

عرض کردم که تولید باید اصولاً در چارچوب استراتژی توسعه همه‌جانبه تعریف شود و توجیه اقتصادی داشته باشد. بنابر اخبار چندی پیش پیشنهاد شده بود در خراسان کارخانه فولاد بزنند، خب این یک خودزنی است. این کار فقط از دست سیاستمداران برمی‌آید، سیاستمدارانی که به فکر آن پرستیژهای ظاهری‌شان هستند. به فکر رأی صندوق انتخابات هستند. اما اگر این سؤال را از اقتصاددان بپرسید می‌گوید، احداث کارخانجاتی که آب‌بَر است مانند فولاد و خودروسازی هیچ‌گاه در استان‌های خراسان، اصفهان، یزد، کرمان و حتی تهران توجیه علمی و اقتصادی ندارند.

بنابراین در چارچوب استراتژی توسعه بازرگانی بعضی از تولیدها و کارهایی به این نام توجیه اقتصادی دارد مثلاً، صنف ما می‌آییم آمپلی‌فایر تولید می‌کنیم، چون سنگین است، واردات آن از خارج حق گمرک زیاد دارد و لذا تولید آن توجیه اقتصادی دارد.

حالا در همین آمپلی‌فایر، مدیریت بازرگانی می‌گوید ترانزیستور آن را که می‌خواهید شما تولید کنید باید روزی ۱۰ میلیون عدد تولید کنید تا توجیه اقتصادی اشته باشد. آیا می‌توانیم این کار را بکنیم؟ نه!

با همین استدلال بسیاری از تولیدات کشاورزی مانند هندوانه که این روزها خیلی پیرامون آن سخن به میان می‌آید نیز صدق می‌کند.

مثال بسیار ساده‌اش این است که شما فرض کنید مهندس ساختمان هستید، می‌خواهید یک ساختمان درست کنید و برای اینکه شعار خودکفایی هم کلی دادید سال‌ها، می‌خواهید به آن هدف برسید، می‌گویید آقا من نمی‌روم از فلان کشور آهن بگیرم، من خودم آهن درست می‌کنم، می‌روید ذوب‌آهن می‌زنید. من کوره آجرپزی می‌زنم، من سیمان می‌زنم، ساختمانی که باید تمام شود متری یک میلیون تومان، درمی‌آید برای شما ۵۰ میلیون تومان.

در اقتصادی که بخش اعظم آن دولتی است، چگونه می‌توان تولید سالم داشت و با این شرایط سرپا ایستاد؟ یعنی شما مشکلی ندارید؟ تولیدکنندگانی مانند شما با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند؟

ببینید تولید با مشکلات زیادی مواجه است، اولین مسئله‌اش مسئله قانون کار است، در زمان حاضر کارفرما حق اخراج کارگر خاطی و کم‌کار را ندارد. این غلط است. شما بر مبنای استراتژی تولیدتان، مثلاً شش ماه در سال نیاز به ۱۰۰ کارگر دارید، در بعضی از ماه‌ها مثلاً نیاز به ۱۰ نفر دارید. شما نمی‌توانید بخش خصوصی باشید و در شرایط کسادی بازار ۹۰ نفر را بدون هیچ کارکردی حقوق بدهید.

مثلاً در همین شرایط تحریم ما با بعضی از کالاهایی که به ایران نمی‌دادند در تأمین آن با مشکل مواجه شدیم. من دانش‌آموخته مدیریت صنعتی‌ام، منطق تولید این است که شما انبار نداشته باشی زیرا انبارداری قیمت نهایی محصول را بالا می‌برد. ولی ناچار بودیم قطعاتی را سال‌ها انبار کنیم.

مشکل دوم بروکراسی بسیار سفت و سخت در دستگاه‌های اداری ایران است. شما الان می‌خواهید بروید یک مجوز تولید بگیرید، پروسه خیلی خیلی زیادی می‌خواهد. اولاً کارشناسانی که گذاشتند، متأسفانه سواد کافی ندارند. من خودم در بخش انرژی خورشیدی، با این معضل تولید مواجه شدم. می‌خواستم مجوز فعالیت انرژی خورشیدی دریافت کنم با بروکراسی‌ای که ایجاد کردند منصرف شدم ولی همین پروژه را در آلمان اجرا کردم.

برای پروژه‌ای دیگر پا پیش گذاشتم و من را به یک جوانی همسن پسر خودم معرفی کردند. آقای مهندس، آقای مهندس، بهش می‌گفتند، بنده خدا تفاوت توان باد را با فتوولتائیک نمی‌دانست، یک پیش‌فاکتور بهش داده بودند «ویند» را انرژی خورشید ترجمه کرده بود. خب، این فاجعه است. متأسفانه هنوز رسم ادب و اخلاق و حرمت به تولیدکننده را یاد نگرفته‌اند، هنوز رسم استادکاری را نمی‌فهمند چیست، و چون من این را نمی‌توانستم بپذیرم، از انجام آن کار منصرف شدم.

این نگاه کارشناسی فقط محدود به سرمایه‌گذاری در بخش‌های جدید نیست بلکه در بخش صادرات هم همین وضعیت است. اجازه بدهید خاطره‌ای برایتان بیان کنم. از سوی کشوری عربی سفارشی برای میکروفون‌های اتاق کنفرانس با طرح خاتم‌کاری داشتم که چون اداره استاندارد برای این کالا استانداردی تعریف نکرده نتوانستم آن را صادر کنم و در آخر مجبور شدم به اسم جای دستمال کاغذی کالای خودم را صادر کنم. از این موضوع تأسف‌بارتر تدوین استانداردی است که قرار شد با همکاری چند تولیدکننده دیگر و با همکاری اداره استاندارد برای چنین محصولاتی تعریف شود. هنوز بعد از گذشت حدود ۲۰ سال این استانداردها تدوین نشده است. چراکه به نظر من اداره استانداردها هم گرفتار برخی کارشناسان مدرک‌دار خروجی دانشگاه‌های کیفیت پایین ماست، که برخی دکتر و مهندس هستند در مدرک ولی کمترین مهارت و سوادی ندارند.

> قرار شد با همکاری چند تولیدکننده دیگر و با همکاری اداره استاندارد برای محصولات صوتی ساخت داخل استانداردی تعریف شود اما هنوز بعد از گذشت حدود ۲۰ سال این استانداردها تدوین نشده است

مشکل چهارم که گزارش آن را به وزرا و حتی دفتر مقام معظم رهبری نیز ارائه کردم، مأموران خرید دستگاه‌های دولتی است. این مشکل برای تولیدکننده بسیار حاد، تأسف‌بار و خطرناک است.

ما به عنوان شرکتی فنی مهندسی با ۳۰ سال تجربه و تولیدکننده انحصاری برخی کالاهای صوتی در مناقصات دولتی پس از تأیید فنی توسط سازمان مهندسی مشتری، با عدم تأیید قیمت از سوی مأموران خرید مواجه می‌شویم که کمترین تخصصی در حوزه الکترونیک ندارند و فقط قیمت را ملاک قرار می‌دهند. در مسائل فنی قیمت نباید تعیین‌کننده باشد.

یعنی مأمور خرید تا این حد قدرت دارد؟

در ایران بله، مأمور خرید توانایی‌هایش از رئیسش بیشتر است و اتفاقاً یکی دیگر از مشکلات تولیدکنندگان داخلی هم ریشه در همین موضوع دارد. کافی است به دفاتر رئیس‌جمهور، وزرا، معاونین و... سری بزنید و ببینید چقدر کالاهای خارجی وجود دارد که مشابه داخلی آن تولید شده است. دولت اگر می‌خواهد حمایت کند باید از خودش شروع کند و کالای داخلی را بخرد. چرا باید محصولات خارجی روی میز مسئولان باشد؟ من نمی‌گویم کالای داخلی بهتر است ولی اگر کیفیت آن برابر بود چرا باید کالای خارجی خرید. این مورد را مقام معظم رهبری هم یک ماه پیش برای بار چندم تأکید فرمودند.

تولید مشکلات دیگری هم در ایران دارد. مهم‌ترین دلیلی که تولیدکننده با سابقه کم داریم، مسئله نبودن حرمت مالکیت و به رسمیت شناخته شدن حقوق بخش خصوصی و تضمین آن است. در طول تاریخ هرگاه صنعتگری یا بازرگانی خواست از راه درست و قانونی رشد کند، ناچار شده به جایی از قدرت وصل شود. این درست نیست.

مصادره اموال مردم یا توقیف آن باید برای همیشه به زباله‌دانی تاریخ سپرده شود. این توقیف و مصادره اموال تلاشگران موفق عرصه تولید و بازرگانی عملی غیرشرعی و غیرقانونی است و از حضرت آقا تقاضا داریم که این مشکل تاریخی را برای همیشه در این کشور حل و فصل فرمایند. ایران از معدود کشورهایی است که دولت و شرکت‌های شبه‌دولتی خود را به شکل رقیب برای بخش خصوصی درآورده و چهار نعل بر روی پیکر نحیف بخش خصوصی می‌تازند، آقایان باور کنید که همه‌مان متعلق به این سرزمین و سیاره زمین هستیم. چرا باید از رشد منطقی تلاشگران عرصه تجارت و صنعت ناراحت باشیم؟

یعنی از دولت همین توقع را دارید؟

البته تولیدکنندگان داخلی توقع دیگری هم دارند. در زمان حاضر خیلی مد شده به شهرداری‌ها و ادارات دولتی و... نامه می‌نویسند و اعلام نیاز فلان کالا را می‌دهند مثلاً تجهیز آمفی تئاتر را انجام می‌دهیم اما موقع پول دادن می‌گویند، بودجه نداریم! ما دوسال است از یک ارگان طلبکاریم و می‌گویند بودجه نداریم. خدا طول عمر باعزت به حضرت آقا بدهد. ای کاش این حمایت از صنعت ایرانی، تولید ایرانی که فرمودند به عنوان حرمت مالکیت، قانون شود. در واقع آن فرهنگ استفاده از تولید ملی فقط در تبلیغ نباید باشد، در عمل هم باید دولتی‌ها اجرا کنند که بعد از خرید پولش را به موقع به تولیدکننده داخلی بدهند وگرنه خواب سرمایه با این روش هم باعث افزایش هزینه‌ها و حتی ورشکستگی تولیدکننده می‌شود.

شاید این به دلیل سیاست‌های خرد و کلانی است که بیشتر واردات‌محور است. با این موضوع چه باید کرد؟

ببینید خودمان سر خودمان کلاه می‌گذاریم وگرنه واقعاً ما نمی‌دانیم باید چگونه از تولید داخل حمایت کرد؟ نمی‌دانیم در این شرایط باید چه کار کنیم؟ چرا سیاست‌ها و قانون‌هایمان، بیشتر واردات مصرفی است و عمده صادراتمان هم یا کالای خام معدنی یا صنایع دستی و محصولات کشاورزی آن هم به چند کشور محدود است.

من می‌گویم بخش مهمی از مشکلات تولید به فرهنگ برمی‌گردد. اجازه دهید خاطره‌ای تعریف کنم. از زمان جنگ که رزمنده‌ها در کیلومتر ۵ جاده خرمشهر - اهواز چگونه حقوق خودرا از درون سفره برمی‌داشتند. هر کس هر چقدر پول لازم داشت، برمی‌داشت و کسی کنترل نمی‌کرد، همه اسمشان را می‌نوشتند. آن فرهنگ جبهه را باید حفظ می‌کردیم. فرهنگ گذشت را و این آموزش داده نشد. اگر بچه من یاد نگرفته صداقت چیست، یاد نگرفته ایثار چیست، گذشت چیست، صبر چیست، تقصیر من است. جوانان بیشتر عملمان را نگاه می‌کنند تا حرفمان را. تقصیر ما بزرگ‌ترهاست. بیشتر ما چه بزرگ‌ترهای خانواده، چه جامعه، چه مملکت باید خودشان از خودشان شروع کنند.

سعدی می‌گوید: اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی، برآورند غلامان درخت را از بیخ

ما باید از بزرگ‌ترهایمان یاد بگیریم و بچه من از من یاد می‌گیرد.

تالار شیشه‌ای

نام شرکت	آخرین قیمت	تغییر قیمت
بانک انصار	۲۳۷۵	۹۱
کمک‌فنرایندامین	۱۲۶۴	۳۵۰
سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران	۱۰۴۰	۶۰
ح . توکافولاد(هلدینگ	۲۹۲	۱۷
فرآورده‌های تزریقی ایران	۹۳۶۵	۳۶۰
فنرسازی‌خاور	۲۸۶۳	۱۱۰
بانک کارآفرین	۲۲۹۵	۸۸
پست بانک ایران	۱۵۹۱	۶۱
سایپا دیزل	۱۰۷۰	۴۱
الکتریک خودرو شرق	۱۷۵۱	۶۷
لیزینگ‌ایران	۲۳۸۰	۹۱
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲۸۰۰	۱۰۷
لیزینگ رایان سایپا	۲۰۲۱	۷۷
سرمایه گذاری خوارزمی	۱۳۹۹	۵۳
بانک سینا	۱۲۹۴	۴۹
بانک تجارت	۸۷۲	۳۳
ایران خودرودیزل	۷۹۴	۳۰
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱۱۹۲	۴۵
بانک صادرات ایران	۷۹۸	۳۰
صنایع آذرآب	۳۰۶۲	۱۱۷
بانک ملت	۲۱۳۰	۸۱
رادیاتور ایران	۶۰۸۴	۲۳۴
تراکتورسازی‌ایران	۴۶۰۲	۱۷۷
بیمه دانا	۱۴۷۶	۵۶
البرزدارو	۱۲۳۶۲	۴۷۵
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۱۴۲۵	۵۴
ایران خودرو	۲۷۲۱	۱۰۴
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۳۰۷۹	۱۱۸
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳۰۰۶	۱۱۵
بیمه آسیا	۱۳۰۲	۵۰
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱۲۴۰	۳۸
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۶۳۰۸	۲۴۲
بانک پاسارگاد	۱۶۹۷	۶۵
زامیاد	۱۶۰۵	۵۱
سرمایه‌گذاری سایپا	۱۱۷۲	۴۵
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۲۹۵۰	۳۹۸
داده‌پردازی‌ایران	۱۷۱۱	۵۰
مهرکام‌پارس	۱۹۴۴	۷۴
کارت اعتباری ایران کیش	۲۹۰۰	۸۱
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۳۳۵۵	۱۲۹
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۲۱۵۳	۹
شیشه همدان	۵۷۱۷	۲۱۹
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۲۵۱۰	۱
پمپ سازی ایران	۳۱۱۰	۱۱۲
سرمایه گذاری شاهد	۱۴۵۱	۵۵
بیمه البرز	۱۲۱۴	۴۶
سامان گستراصفهان	۱۶۹۸	۶۱
گروه‌بهمن	۲۱۲۸	۴۰
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱۳۴۱	۴۷
سایپا	۱۳۹۵	۵۳
شهد	۶۶۱۹	۱۹۱
محورسازان‌ایران‌خودرو	۲۹۶۳	۱۱۲
ماشین سازی اراک	۳۴۹۲	۶۹
عمران‌وتوسعه‌فارس	۲۶۲۰	۹۵
سیمان‌هگمتان	۴۱۷۰	۱۴۵
سیمان فارس نو	۵۵۰۱	۱۶
پلاسکوکار	۱۲۶۰	۶
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴۹۷۷	۱۴۷
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱۱۴۵	۱۳
سایپاشیشه	۱۵۱۳	۵۸
تایدواترخاورمیانه	۴۹۴۰	۱۶
قطعات اتومبیل ایران	۳۴۰۰	۳۹
سیمان داراب	۱۸۰۰	۴۶
حمل‌ونقل‌توکا	۲۴۲۸	۸۴
ملی صنایع مس ایران	۱۷۶۹	۶۸
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱۶۴۳	۶۳
سیمان فارس و خوزستان	۱۹۰۲	۷۳
نفت سپاهان	۹۹۴۵	۲۸۴
تکنوتار	۱۶۷۰	-۲۷
چرخشگر	۲۱۶۷	۵
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲۰۹۹	۸۰
کالسیمین	۲۶۶۰	۵۹
بین المللی محصولات پارس	۶۴۵۶	۲۴۸
رینگ‌سازی‌مشهد	۲۴۰۰	۴۴
سیمان کارون	۵۱۴۰	۱۳۹
صندوق شاخص ۳۰شرکت فیروزه- سهام	۱۰۰۰۰	۱۵۰
سیمان شمال	۲۳۲۵	۳۴
باما	۸۲۰۰	۱۳۸
کاشی پارس	۶۸۵۳	۱۴۴
گروه صنعتی پاکشو	۹۶۰۰	۱۰۶
سرمایه گذاری پارس توشه	۲۳۸۸	۸۶
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱۸۵۱	-۳
پارس مینو	۳۲۲۹	۱۱۶
ایرکا پارت صنعت	۵۲۰۰	-۳۵
سیمان تهران	۲۶۰۰	۱۷
ح . سخت آژند	۲۶۳۱	۳۱
معدنی املاح ایران	۱۱۴۴۸	۴۴۰
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۲۱۷۱	۱۰
سخت آژند	۴۳۰۰	۲۷
سرما آفرین	۳۱۷۵	۱۲
سرمایه گذاری دارویی تامین	۴۷۴۰	۱۸۲
بانک سینا	۱۲۹۴	۴۹
داروسازی اسوه	۱۶۱۱۱	۲
سیمان‌غرب	۴۱۶۰	۵۸
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲۹۵۰	-۳۳
گروه صنعتی بارز	۶۲۰۱	۱۶۷
صنعتی بهشهر	۷۴۹۰	-۲۸
نیرو محرکه	۱۸۳۰	-۳۴
ملی سرب‌وروی ایران	۱۰۸۰	۰
بانک‌اقتصادنوین	۲۰۱۴	۷۷
کاشی سعدی	۲۶۷۱	۱۰۲
سیمان شرق	۱۲۰۰	۹
تهران شیمی	۱۹۸۴۱	۷۶۳
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱۶۳۳	-۶
چینی ایران	۲۳۴۰	-۲۲
دارویی رازک	۲۹۹۸۰	۷۱۸
معادن بافق	۳۵۵۱	۱۰
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۴۹۴۴	۱۰۴
داروسازی روزدارو	۴۷۲۳	۱۸۱
مس شهیدباهنر	۱۵۵۹	۲
صندوق سرمایه‌گذاری صنوین -مختلط	۱۱۳۹۵	۱۴۲
داروسازی امین	۲۸۴۹	۷۲
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۲۸۲۰	۱۷
سرمایه گذاری پردیس	۹۳۲	-۱
تولیدی کاشی تکسرام	۱۰۲۵	۲
سرمایه‌گذاری مسکن	۱۵۷۰	۱۴
گروه دارویی سبحان	۶۵۴۹	۱۶۳
لعابیران	۲۰۷۷	۱۳
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۶۴۵۰	۸۲
فولاد مبارکه اصفهان	۱۹۰۰	۴
سیمان‌سپاهان	۱۲۳۰	۱۸
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳۷۲۱	۹
شیشه و گاز	۴۱۰۰	۸
شهد ایران	۲۰۴۷	۷۸
داروسازی جابرابن‌حیان	۸۱۷۵	-۴
دارویی لقمان	۴۰۷۰	-۴۹
قندهکمتان	۲۲۳۹	۳۹
س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۱۰۹۰	-۱۰
داروسازی ابوریحان	۲۵۵۰۰	۵۲۶
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱۸۶۶	-۱۰
سرمایه‌گذاری سپه	۱۷۰۸	۲۳
فیبر ایران	۳۵۲۳	۱۳۵
سیمان‌شاهرود	۳۶۰۱	-۱۴
داروسازی سینا	۱۴۲۰۰	۱۷۸
ایران مرینوس	۱۱۵۵۳	۴۴۴
شرکت ارتباطات سیار ایران	۳۰۰۵۰	۵۴
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱۵۰۱	۱
داروسازی زاگرس فارمد پارس	۷۴۸۰	-۱۲۱
قند لرستان	۱۷۱۹۰	۳۱۰
کارخانجات‌داروپخش	۴۹۱۵	۲۱
صندوق س. پاداش سهامداری توسعه۱	۱۰۰۵۲	۹
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۰۲۵۴	-۲۸۸
تولیدموادا‌ولیه‌داروپخش	۱۵۲۶۰	-۱۱۵
بیمه پارسیان	۲۰۷۷	۷۶
معادن‌منگنزایران	۲۰۹۷	۸۰